

# دکتر دنیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۱ مقدمه، بخش ۱، نویسنده و گیرنده در متن

دن دارکو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دن دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۱، مقدمه، بخش اول، نویسنده و مخاطب در متن است.

به مطالعه انجیل لوقا خوش آمدید.

این آموزش الکترونیکی کتاب مقدس در مورد مطالعه انجیل لوقا است. همانطور که ممکن است تا الان بدانید، آموزش الکترونیکی کتاب مقدس شما را با بسیاری از چیزهایی که ممکن است در مورد کتاب مقدس و مطالعات الهیاتی به طور کلی بدانید، آشنا کرده است. در اینجا، ما بر دو نوشته اصلی لوقا تمرکز کرده و یکی را انتخاب می‌کنیم.

مورد دیگر از قبل در دسترس شماست و یکی از همکاران من در ارائه آن مجموعه به شما کار بسیار خوبی انجام داده است. همانطور که ما بر انجیل لوقا تمرکز می‌کنیم، چهار روایت را تصور کنید که در مورد عیسی مسیح، کار او، مرگ او و رستاخیز او صحبت می‌کنند. اگر دوست دارید، تمام کاری که او برای نجات جهان ما انجام داد.

لوقا به ویژه در درک ما از کار عیسی مسیح و کلیسا به طور کلی اهمیت دارد، زیرا لوقا تنها نویسنده انجیل است که تا آنجا پیش می‌رود که کتاب اعمال رسولان را به ما می‌دهد تا در واقع پیوستگی بین کار عیسی مسیح و کلیسای اولیه را به ما نشان دهد. بنابراین، بیایید این مطالعه را با نگاهی سریع به این انجیل آغاز کنیم و کاری که من در این جلسه خاص انجام خواهم داد این است که سعی کنم شما را با برخی از نکات کلیدی که می‌خواهید در مورد نویسنده، زمینه این نامه خاص، چگونگی نگاه لوقا به جهانی که در مورد آن می‌نویسد، و برخی از مواردی که او در طول مطالعه به آنها اشاره خواهد کرد، آشنا کنم، نکاتی که درک آنها برای شما مفید خواهد بود تا شکاف بین دنیای باستان و زمینه مدرن ما را پر کنید. اجازه دهید به سرعت توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که اگر این سخنرانی‌ها را از پیشینه‌ای غیر غربی دنبال می‌کنید، ممکن است بخواهید با من صبور باشید تا شکاف بین برخی از سنت‌ها، آداب و رسوم و هنجارهای فرهنگی غربی را که کاملاً متفاوت از دنیای لوقا هستند، پر کنم، شاید چیزی پیدا کنید که به آنچه با آن آشنا هستید نزدیک باشد.

بنابراین، بیایید به بررسی مسئله‌ی نویسنده بپردازیم. چه کسی انجیل لوقا را نوشته است، و چگونه می‌توانیم در مورد شخصی که آن انجیل خاص را نوشته است، بدانیم؟ خب، ما هیچ مدرکی در خود متن نداریم که در مورد نویسنده به ما بگوید. به عبارت دیگر، به ما گفته شده است که لوقا آن را از منابعی خارج از خود انجیل نوشته است.

اما چگونه این اتفاق افتاد و چگونه در سنت مسیحی ثابت شده است که واقعاً لوقا این را نوشته است؟ ما به دو روش اصلی تفکر در این مورد نگاه می‌کنیم. آنچه من شواهد درونی در عهد جدید می‌نامم، نگاهی اجمالی به این شخص به ما می‌دهد و شواهد بیرونی در مورد آنچه مسیحیان اولیه در مورد این نویسنده گفته‌اند، به درک ما از نویسنده لوقا کمک می‌کند. بنابراین، از نظر شواهد درونی، ما در واقع چیزی در خود

انجیل نداریم که به ما بگوید لوقا آن را نوشته است، برخلاف پولس که دوست دارد بگوید پولس، رسول خداوند عیسی مسیح، به کلیسای سون می نویسد.

بنابراین، لوقا این کار را نکرد. لوقا بدون اینکه هیچ اطلاعاتی در مورد خودش به ما بدهد، به ما می گوید که به چه کسی نامه می نویسد. با وجود شواهد داخلی و فقدان آنها، توجه به این نکته نیز مهم است که ویژگی های داخلی نحوه معرفی این نامه و کتاب اعمال رسولان نشان می دهد که در واقع، یک نفر این دو نوشته طولانی عهد جدید را نوشته است.

در واقع، اگر این دو را کنار هم بگذارید، حدود یک سوم عهد جدید را همانجا خواهید داشت. انجیل لوقا و اعمال رسولان نیز خطاب به یک شخص هستند. سبک نگارش و الگوهای پیوسته، که برخی از آنها را در این جلسه خاص نشان خواهیم داد، به ما کمک می کند تا درک کنیم که شواهد درونی کافی وجود دارد که نشان می دهد نویسنده انجیل لوقا همان کسی است که کتاب اعمال رسولان را نیز نوشته است.

این لوقا که سنت آن را با انجیل لوقا مرتبط می داند، همان لوقایی است که در عهد جدید درباره اش می شنویم. این بدان معنا نیست که او خودش در هیچ کجای عهد جدید تصریح نمی کند که نویسنده آن است. اما به این معنی است که در برخی نوشته ها، به ویژه نوشته های پولس، و برخی از اشارات اول شخص جمع که در کتاب اعمال رسولان می یابیم، به نظر می رسد که این همان شخصی است که با او سر و کار داریم.

بنابراین، بیایید سریع به سراغ شواهد بیرونی برویم، و در مقطعی، شما را به برخی از مشاهدات درونی مان برمی گردانم. از نظر شواهد بیرونی، پنج شاهد مهم وجود دارد که به محققان، اعضای کلیسا و سنت های کلیسای کمک می کند تا بفهمند چه کسی انجیل لوقا را نوشته و چگونه این انجیل خاص با لوقا مرتبط شده می نامیم P75 است. قدیمی ترین نسخه خطی که از این انجیل داریم، نوعی متن است که آن را

به طور خاص، صفحه ۷۵، که قدیمی ترین نسخه خطی لوقا است، در واقع به لوقا به عنوان نویسنده این نسخه خطی خاص اشاره می کند. این یکی از آن مقدمه هایی است که با انتقال نوشته ها، رهبران یا سنت های مختلف کلیسا مشخص می کنند که این نوشته از چه کسی آمده و به چه کسی فرستاده شده است. بنابراین، قدیمی ترین نسخه خطی لوقا، نویسندگی را به لوقا نسبت می دهد.

نکته ی قابل توجه دیگر، یک نسخه خطی بسیار مهم در قرن دوم میلادی به نام «قانون موراتوریوم» است. قانون موراتوریوم همچنین نویسندگی این کتاب را به لوقا، یکی از پدران کلیسا، ایرنئوس، نسبت می دهد که هنگام تلاش برای مطالعه ی سنت های کلیسا، زیاد در مورد او می شنویم. ایرنئوس، در پاسخ خود علیه بدعت ها، در واقع، همانطور که نقل قول را در یک دقیقه نشان خواهیم داد، این را واجد شرایط می داند که لوقا، همراه پولس، کسی است که انجیلی را که ما به عنوان انجیل لوقا از آن یاد می کنیم، نوشته است.

یکی دیگر از رهبران کلیسا که در واقع تمام حرفه خود را بر اساس مارسیون، یک تاجر، متکلم، بنا نهاد، که به عنوان یک بدعت گذار بسیار مشکوک شناخته می شد، نمی دانم چگونه، من در مورد زبانی که اینجا استفاده می کنم بسیار محتاط هستم. او یک مرتد بسیار مشکوک بود که کلیسا تا به حال شناخته است. ترتولیان در واقع در زندگی خود بسیار خوب عمل کرده است، تمام شهرت الهیاتی خود را بر اساس مارسیون بنا کرده و سعی کرده است به مارسیون برای هر چیز مسخره ای که مارسیون می نویسد پاسخ دهد.

ترتولیان به صراحت بیان می کند که لوقا نویسنده انجیلی است که ما آن را انجیل لوقا می نامیم. یوسیبوس، مورخ کلیسای اولیه، که مجموعه ای از حجم زیادی از تاریخ کلیسا را در اختیار ما قرار داده است، نیز به لوقا و نویسندگی این متن اشاره می کند و حتی نگاهی اجمالی به منشأ احتمالی او به ما می دهد. باز هم، اگر

بخوایم شما را به اشاره‌ای که قبلاً در مورد قانون موراتوریان کردم برگردانم، عبارت یا بند در واقع اینگونه خوانده می‌شود.

لوقا، که او نیز همراه پولس بود، در کتابی انجیلی را که او موعظه می‌کرد، ثبت کرده است. این اشاره در زمینه‌ای صورت گرفته که به نظر می‌رسد با مکالمه در انجیل لوقا همسو است. در این قطعه، توضیحات بیشتری در مورد پزشک بودن این شخص نیز می‌یابیم.

اما شاید باید اینجا مکث کنم تا مغالطه‌ای را که اغلب وجود دارد، اصلاح کنم، اینکه چون لوقا به عنوان یک پزشک توصیف شده است، ما همیشه باید روایت معجزه‌آسای او را از دیدگاه یک پزشک بررسی کنیم. لزوماً نباید اینطور باشد. در این قطعه، ما کتاب را می‌خوانیم.

سومین کتاب انجیل، آن است که به روایت لوقا آمده است. لوقا، پزشک مشهور، پس از عروج مسیح، هنگامی که پولس او را به عنوان فردی متعصب به شریعت با خود برد، آن را به نام خود، طبق باور عمومی، ... تألیف کرد. توجه داشته باشید که طبق باور عمومی، سنت

در ارجاع ترتولیان که قبلاً به آن اشاره کردم، ترتولیان به قول خودش می‌نویسد: «حتی شکل انجیل لوقا را معمولاً مردم به پولس نسبت می‌دهند و به انجیل سوم اشاره می‌کنند.» در تاریخ کلیسای اوسیبوس می‌نویسد: «اما در مورد لوقا، او در ابتدای انجیل خود، دلایلی را که او را به نوشتن آن سوق داده است، بیان می‌کند. او می‌گوید از آنجایی که بسیاری دیگر با عجله بیشتری به نگارش روایتی از وقایعی که او از آنها آگاهی کامل داشته، پرداخته‌اند، خود او با احساس ضرورت رهایی ما از نظرات نامشخص آنها، در انجیل خود شرح دقیقی از وقایعی را که در مورد آنها حقیقت کامل را آموخته بود، ارائه داد و این کار را با صمیمیت و اقامتش «با پولس و آشنایان او با سایر حواریون انجام داد».

جان فیتزمر، که یک جلد بسیار نفیس، در واقع یک تفسیر دو جلدی بر لوقا نوشته است، در مقدمه‌اش می‌نویسد که در آن برخی از این روایات کلیسای اولیه را نقل می‌کند. لوقا یک سوری اهل انطاکیه، پزشک شاگرد حواریون و بعدها تا زمان شهادتش از پیروان پولس بود. او بدون هلاکت، بدون همسر و بدون فرزند به خداوند خدمت کرد.

او در سن ۸۴ سالگی در بوئتیا، پر از روح القدس، درگذشت. حال، اگر چیزی در مورد انجیل لوقا و نوشته‌های لوقا می‌دانید، شنیدن عبارت «پر از روح» باید لبخندی بر لبانتان بیاورد. بنابراین، به طور کلی منظور من از این حرف این است که ما هیچ مدرک داخلی یا چیزی که در اصطلاحات کلامی به آن خودانتسابی لوقا می‌گوییم، نداریم. او می‌گوید من انجیل سوم را نوشته‌ام.

اما ما اشاراتی داریم مبنی بر اینکه لوقای ذکر شده در عهد جدید، همان روایتی است که نویسنده انجیل سوم را به آن نسبت می‌دهد. کسانی که از نزدیک با این روایت آشنا هستند و کسانی که به همین روایاتی که او درباره آنها می‌نویسد، نزدیک‌ترند، این موضوع را به ما گوشزد کرده‌اند. تاکنون هیچ بحثی در تحقیقات وجود نداشته است که آیا واقعاً باید این را به لوقا نسبت دهیم یا خیر.

بنابراین، ما با این فرض به این انجیل خاص نزدیک می‌شویم که لوقا، طبق سنت، این انجیل را نوشته است و ما برای تفسیر این نوشته به آن سنت تکیه می‌کنیم. از نظر ذکر این لوقا در عهد جدید، سه بار از او نام برده شده است. در کولسیان نیز از او نام برده شده است.

در کولسیان ۴ آیه ۱۴، از او به عنوان پزشک محبوب یاد شده است. زمان به من اجازه نمی‌دهد که بتوانم در مورد اینکه آیا باید این را به نوشته‌های پولس نسبت دهیم یا نه، قضاوت کنم. اما اگر کولسیان را از

سنت پولس در نظر بگیرید، در سنت پولس به یکی از همراهان پولس نسبتی داده می‌شود که او پزشک بوده است.

ما همچنین در نامه پولس به فیلیمون می‌خوانیم که از لوقا به عنوان همکار یاد می‌کند. در دوم تیموتائوس ۴ آیه ۱۱ نیز به لوقا اشاره شده است، متنی که در میان محققان پولس در مورد اینکه آیا پولس آن را نوشته است یا خیر، مورد اختلاف است. اما با در نظر گرفتن هر سه اشاره در سنت پولس، چیزی که به آن می‌رسیم شخصی است که از کتاب اعمال رسولان، به ویژه از فصل ۱۶ اعمال رسولان، با پولس مرتبط است و در سنت پولس نیز به عنوان کسی که پزشک محبوب، همکار و تنها همراه پولس بود، یاد می‌شود.

خب، ما چه چیز دیگری در مورد این لوقا می‌دانیم؟ ما چند چیز می‌دانیم. از انجیل او متوجه می‌شویم که او شاهد عینی وقایعی که درباره آنها می‌نویسد نبوده است. در واقع، همانطور که بعداً در این مطالعه خواهیم دید، او با دقت به ما نشان داد که برای بررسی یافته‌های خود وقت گذاشته و آنها را از شاهدان عینی جمع‌آوری کرده است، که به ما نشان می‌دهد که خودش شاهد عینی نبوده است.

از هر نشانه‌ای که از خود انجیل و همچنین از اثر دوم او که برای ما به عنوان کتاب اعمال رسولان شناخته شده است، به دست می‌آوریم، به نظر می‌رسد که این مرد از پیروان نسل دوم مسیح بوده است، یا همانطور که برخی حتی پیشنهاد می‌کنند، از پیروان نسل سوم مسیح. نکته‌ای که به وضوح در مورد پیشینه لوقا برجسته است این است که او تحصیلات خوبی داشته است. گهگاه دوست دارم به دوستان کاریزماتیک پنطیکاستی خود اشاره کنم یا توضیح دهم که اگر کسی فکر می‌کند روح القدس اینقدر مکرر در کتاب اعمال رسولان و لوقا ظاهر می‌شود، بنابراین باید کسی باشد که به اندازه او تحصیل نکرده است، آن شخص نمی‌تواند از حقیقت دور باشد.

چون او فرد بسیار باهوشی بود. در واقع، دو نفر از باهوش‌ترین نویسندگان عهد جدید، کسانی هستند که به نظر می‌رسد مشتاقند درباره روح القدس و عطایای روح القدس به ما بگویند، همانطور که خواهیم دید. و لوقا به وضوح یکی از آنهاست.

زبان یونانی او نشان می‌دهد که کسی دانش و تسلط خوبی بر زبان دارد. دستور زبان و ساختار کلام او نشان می‌دهد که کسی درک خوبی از هنر ادبی زمان خود دارد. حتی از نظر روایت، ساختارهای روایی، نحوه نگارش متن، طرح داستان و چگونگی حل و فصل طرح داستان، لوقا نشان می‌دهد که کسی واقعاً می‌داند چگونه بنویسد و استدلال خود را در چارچوب درک زمان خود مطرح کند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر در مورد تحصیلات او که با توجه به انجیل قابل توجه است، دانش او از عهد عتیق است. من فقط به تعداد کمی، باید بگویم حتی تعداد انگشت‌شماری از محققان را ندیده‌ام که معتقدند لوقا باید یهودی بوده باشد. اما تا حد زیادی، اکثر محققان، و من قطعاً از این موضع حمایت می‌کنم که می‌گویند لوقا به نظر می‌رسد پیرو غیریهودی مسیح بوده و به تئوفیلوس، که او نیز غیریهودی است، نامه نوشته است.

اما همین غیریهودی خودش را موظف می‌دانست که متون مقدس عبری را به این خوبی مطالعه کند. بنابراین در نوشته‌های او، هم اشارات و هم ارجاعات مستقیم به عهد عتیق داریم. او در روایتی می‌نویسد که انگار می‌خواهد به ما بگوید، ببینید، پیشگویی‌های مسیحایی در مورد مسیح در حال تحقق است.

و بگذارید فقط به شما نشان دهم که چگونه این امر محقق می‌شود. دانش او از کتاب مقدس عبری بسیار گسترده است و ما با بررسی این متن، بخشی از آن را خواهیم دید. نکته دیگری که برخی از همکارانم و برخی از کسانی که ممکن است این موضوع را دنبال کنند و من افتخار تدریس آن را داشته‌ام، خواهند گفت این است که به نظر می‌رسد من بسیار شیفته کیهان‌شناسی و کیهان‌شناسی روح هستم.

خب، اگر این کار را بکنم، حدس بزنید چه می‌شود؟ من همنشین پولس و لوقا هستم. کیهان‌شناسی روح لوقا چیزی است که باید برای باز کردن آن وقت بگذاریم تا بتوانیم نوشته‌های او را با دقت دنبال کنیم. جهان‌بینی لوقا و جهان‌بینی زمان او، جهانی بود که در آن دنیای مادی از دنیای معنوی جدا یا دور نبود.

ابعاد معنوی جهان همان بخش از این کیهان واحد هستند و به همین دلیل، فرشتگان می‌توانند با انسان‌ها تعامل داشته باشند. موجودات روحانی می‌توانند در زندگی انسان‌ها کار کنند. عوامل معنوی می‌توانند بیایند و در قلمرو انسان‌ها کارهایی انجام دهند.

کل ایده این است که ارواح در کنار ما حضور دارند و می‌توانند در ما کار کنند، می‌توانند با ما ارتباط برقرار کنند، می‌توانند در خواب پیام‌هایی را منتقل کنند و می‌توانند این کار را در دنیایی که لوقا در آن زندگی می‌کرد انجام دهند. او جهان را جهانی می‌دانست که در آن واقعیت‌های معنوی، چه خوب و چه بد، رواج داشتند بنابراین، همانطور که در انجیل لوقا خواهیم دید، اتفاقات عجیبی مانند باردار شدن یک زن توسط یک موجود معنوی در روایت او رخ می‌دهد.

و اگر در چارچوب فلسفی غرب باشید، می‌گویید، چگونه این موضوع منطقی است؟ خب، در جهانی که لوقا در آن زندگی می‌کرد، در نظام اعتقادی که در آن عمل می‌کرد، و آنچه که قرار است برای ایمان مسیحی ما اساسی باشد، باید جایی برای امکان خدا یا یک عامل معنوی ایجاد شود تا در زندگی انسان‌ها کار کند و بسیاری از چیزها را به اجرا درآورد. بنابراین، لوقا، از سوی دیگر، در مورد فعالیت خدا، روح القدس و عیسی مسیح صحبت خواهد کرد. از سوی دیگر، او همچنین در مورد تسخیر شیطانی، موجودات معنوی شیطانی و اینکه چگونه خدا در مسیح بر این نیروهای شر پیروز می‌شود، در حالی که پادشاهی مسیحایی را در این عصر آخرالزمانی آشکار می‌کند، صحبت خواهد کرد.

من جمله‌ی جوئل گرین در مقدمه‌اش بر لوقا را دوست دارم، و همیشه به این واقعیت توجه دارم که وقتی در مورد کیهان‌شناسی ارواح صحبت می‌کنم، به راحتی می‌توان گفت که این مرد عجیب آفریقایی به انواع چیزهای عجیب آفریقایی اعتقاد دارد. و بنابراین، موفق شدم جمله‌ای از جوئل گرین بگیرم که سعی می‌کند توضیح دهد که ما باید سعی کنیم لوقا را به خاطر لوقا و دنیای او درک کنیم. او می‌نویسد که دنیای لوقا دنیایی است که در آن خدا از طریق مفاهیم معجزه‌آسا مداخله می‌کند.

فرشتگان مرتباً بین آسمان و زمین واسطه هستند و مثلاً نیروهای شیطانی فعال هستند. این دنیای لوقا است. به این پیشینه‌ها فکر کنید و هنگام شروع متن حوصله‌تان سر نرود زیرا این‌ها در نحوه‌ی برخورد ما با متن اساسی هستند.

تا اینجا، کاری که سعی در انجام آن داشته‌ام این بوده است. اول، توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که این انتساب، یعنی انجیل لوقا، از آغاز مسیحیان اولیه تا به امروز وجود داشته است. دوم، اینکه دنیای لوقا دنیایی است که در آن ارواح قادر به کار در امور انسان‌ها هستند.

آخرین چیزی که می‌خواهم سریعاً به آن پردازم و توجه شما را به آن جلب کنم، که در مطالعه‌ی ما از انجیل نیز مطرح خواهد شد، این است که یهودیت در دنیای لوقا و در روایت لوقا چگونه عمل خواهد کرد. در دوره‌ی معبد دوم، زمانی که لوقا در حال نوشتن بود، یهودیان هنوز منتظر آمدن مسیح بودند. آنها انتظار داشتند که او بیاید و دشمنانشان را شکست دهد، بر شر پیروز شود و پادشاهی را به داوود بازگرداند.

اما یهودیت ظاهری متفاوت از مثلاً زمان سلیمان داشت. همه یهودیان معبد را بسیار بسیار جدی می‌گرفتند و سالی یک یا دو بار برای برگزاری اعیاد و آیین‌های مختلف به معبد می‌رفتند. اما چیز دیگری که از زمان

تبعید و بازگشت آنها از تبعید رواج پیدا کرده بود، عبادت در کنیسه بود، جایی که یهودیان در ساختمان‌ها در اشکال مختلف پناهگاه‌ها جمع می‌شدند، در مورد قانون یاد می‌گرفتند، اعیاد را جشن می‌گرفتند، انواع و اقسام کارهای مربوط به فرهنگ یهودی را انجام می‌دادند تا بتوانند با دین، آموزه‌های دینی و شکل‌گیری آنها، به ویژه جوانان در باورها و سنت‌های دینی خود، ارتباط برقرار کنند.

کنیسه‌ها مهم خواهند بود زیرا لوقا به ما یادآوری می‌کند که عیسی در طول خدمت خود از چنین مکان‌هایی، بازدید خواهد کرد. نکته دیگری که باید در دنیای لوقا، هنگام تفکر در مورد یهودیت، به آن توجه کنیم، فرقه‌های آن زمان است. یهودیت در زمان نوشته‌های لوقا یکپارچه نبود.

ما فرقه‌های مختلفی داریم، مانند فریسیان، صدوقیان، اسنیان و آنچه یوسفوس به ما یادآوری می‌کند فلسفه جدید است. اما فقط دو مورد از این فرقه‌ها، فرقه‌های برجسته، در لوقا نام برده شده‌اند؛ یکی فریسیان و دومی صدوقیان. حال، در مسیر صدوقیان، آنها را در لوقا پیدا خواهیم کرد، معمولاً زمانی که عیسی در اورشلیم است، زیرا صدوقیان کسانی بودند که بیشتر مسئول اتفاقاتی بودند که در معبد می‌افتاد و آنها به شدت در رهبری معبد دخیل بودند.

در واقع، تعداد زیادی از ما در تحقیقات عهد جدید تمایل داریم باور کنیم که یک کاهن اعظم یهودی احتمالاً از فرقه صدوقیان ظهور خواهد کرد. اما صدوقیان به رستائیز اعتقاد نداشتند. آنها معتقد بودند که اگر بمیرید، روحتان با شما هلاک می‌شود.

فرقه دیگری که ما به عنوان مسیحی بیشتر درباره آن می‌دانیم، فریسیان هستند. لوقا در مورد این فرقه خاص به شیوه‌ای بسیار متفاوت از آنچه معمولاً در مورد آنها فکر می‌کنیم، صحبت خواهد کرد. فریسیان به رستائیز مردگان اعتقاد داشتند.

فریسیان به عدالت قانونی اعتقاد داشتند. فریسیان به زندگی ساده اعتقاد داشتند. در واقع، عیسی و متی با فریسیان اختلاف نظر زیادی داشتند، نه به این دلیل که آموزه‌های آنها بسیار متفاوت بود، بلکه به این دلیل که آموزه‌های آنها بسیار شبیه به هم بود.

در لوقا، برخلاف متی، فریسیان همیشه آدم‌های بدی نبودند. در لوقا، فریسیان فقط افراد باهوشی هستند که فقط سعی می‌کنند درباره دین خود بیشتر بدانند، اعتقادات مذهبی آنها با اعتقادات عیسی همپوشانی زیادی دارد و گاهی اوقات با عیسی مشکل دارند، اما اغلب برای عیسی و پیروانش بسیار مفید هستند و گاهی حتی سعی می‌کنند برای کمک به عیسی و پیروانش مداخله کنند. به عنوان مثال، در جلد دوم لوقا، فریسیان در واقع، ما حتی فریسی‌هایی را در کلیسا، در اعمال رسولان داریم.

بسیار بسیار متفاوت از برداشت‌هایی که ما از فریسیان از متی داریم. و برخی از آنها در اینجا آشکار خواهد شد. اما یک دقیقه با من همراه باشید تا این پایه را بنا کنیم، زیرا لوقا قرار است در این چارچوب عمل کند.

به شما گفتم که او فردی تحصیل کرده بود و برای افراد تحصیل کرده در سنت مذهبی‌شان ارزش قائل بود، افرادی که سعی می‌کردند انتظارات مذهبی آنها را برآورده کنند، پرسش و پاسخ داشتند و نیاز داشتند که به طور مناسب به آنها رسیدگی شود. نکته دیگری که ما متوجه می‌شویم استفاده لوقا از ترجمه سبعینیه است لوقا به متون مقدس عبری زیاد اشاره می‌کند و اغلب، نقل قول‌ها یا اشارات او به نظر می‌رسد از ترجمه سبعینیه آمده است.

جای تعجب نیست که او به زبان یونانی بسیار بسیار مسلط بود، و ترجمه یونانی متون مقدس عبری چیزی بود که او به خوبی از آن آگاه بود. این بدان معنا نیست که تا قرن اول، ترجمه هفتادگانی (سپتواجینت)

محبوب‌ترین متنی بود که در کنیسه‌ها برای اکثر یهودیان قابل دسترسی و استفاده بود. با این اوصاف در مورد یهودیت، نمی‌خواهم این تصور را در شما ایجاد کنم که یهودیان همیشه مانند پنطیکاستی‌ها و بابتیست‌ها و کاتولیک‌ها و پرسبیتی‌ها در حال جنگ و ستیز بودند.

نه! یهودیان، صرف نظر از اینکه کجا بودند و چه اعتقادی داشتند، چهار چیز مشترک داشتند. این چهار چیز آنها را چنان متحد می‌کرد که ممکن است تفاوت‌های کلامی جزئی داشته باشند، اما آنها این سیستم‌های اعتقادی جمعی را دارند که فرهنگ و هنجارهای آنها را شکل می‌دهد و آنها را صرف نظر از اینکه به چه فرقه‌ای تعلق دارند، برای اعیاد گرد هم می‌آورد. و این چهار چیز یکی هستند، شما

همه یهودیان به این حقیقت اعتقاد داشتند که خدا یکی است. برخلاف همسایگان‌شان که ممکن است به خدایان مختلفی اعتقاد داشته باشند، همه یهودیانی که به یهوه ایمان دارند، کسی که خود را آشکار کرد و با جد بزرگشان ابراهیم پیمان بست، و بر اساس آن رابطه پیمانی، ملتی را تشکیل داده و توسعه داده‌اند. بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما، خداوند یکی است، تا به امروز اعتقادی خواهد بود که توسط همه یهودیان به اشتراک گذاشته خواهد شد.

دو، خاص‌گرایی یهودی و ختنه. همه یهودیان، صرف نظر از اینکه به چه فرقه‌ای تعلق دارند، خود را به عنوان فردی برگزیده در رابطه‌ای مبتنی بر عهد با خدا می‌بینند، و اگر شما مرد هستید، نشانه این عهد ختنه است. چرا این را مطرح می‌کنم؟ خب، من این را مطرح می‌کنم چون شما از همان دو فصل لوقا خواهید دید

لوقا به ما یادآوری می‌کند که عیسی و والدینش یهودی بودند. یحیی تعمید دهنده و والدینش یهودی بودند و قبل از اینکه آنها حتی هرگونه وابستگی فرقه‌ای خود را در یهودیت اعلام کنند، از این هنجارها و سنت‌های یهودیان پیروی خواهند کرد که ما باید از آنها آگاه باشیم.

سومی تورات است. اطاعت از قانون خدا برای یهودیان بسیار مهم بود. البته، تفسیر قانون بخشی از دلیل وجود فرقه‌های محافظه‌کارتر، لیبرال‌تر و متفاوت در سنت است.

و البته، من قبلاً به معبد اشاره کردم. معبد مکانی خواهد بود که در آن اعیاد و آیین‌های مهم برگزار می‌شود. والدین عیسی برای انجام کارهایی که به عنوان یهودی باید انجام می‌دادند، به معبد می‌رفتند.

معبد، به عنوان مرکز فرهنگ، مذهب و آداب و رسوم یهودی، دلیل آن خواهد بود که در جلد دوم لوقا، یهودیان از سراسر جهان به اورشلیم خواهند آمد و بخشی از این جشن عید فصح خواهند بود. یهودیان صرف نظر از اعتقادات سیستم اعتقادی خود، محافظه کار، لیبرال، میانه رو یا غیر محافظه کار، همگی در این چهار اعتقاد اصلی سهیم خواهند بود. لوقا از این امر آگاه بود.

لوقا می‌خواست در انجیل خود به این موضوع توجه کند تا به ما یادآوری کند که عیسی، منجی جهان، به عنوان یک یهودی آمد. او آمد تا پیشگویی‌های نبوی در مورد مسیح را به انجام برساند. و او آمد تا این کار را در یهودیت معبد دوم انجام دهد.

او لزوماً برای تأسیس یک فرقه یا جنبش کامل خارج از یهودیت نیامد، بلکه آمد تا وعده‌های خدا را به قوم خود و جهان تحقق بخشد. پس از مشخص کردن این چارچوب اساسی از خود لوقا، بیاپید به گیرنده انجیل لوقا پردازیم. لوقا گیرنده خود را تئوفیلوس معرفی می‌کند.

تئوفیلوس معمولاً به عنوان یک غیریهودی شناخته می‌شود. بنابراین در اینجا می‌بینیم که تئوفیلوس، یک غیریهودی، ژانری را دریافت می‌کند که بعداً آن را انجیل خواهیم نامید. ضمناً، در آن زمان ژانری به نام انجیل وجود نداشت.

این ژانری خواهد بود که ما در واقع آن را کنار هم خواهیم گذاشت، یا مسیحیان خواهند آمد تا چهار نوشته در مورد کار زندگی عیسی مسیح، یعنی انجیل بودن، را تثبیت کنند. بنابراین، لوقا به عنوان یک غیریهودی، و اگر دوست دارید، یک نخبه غیریهودی، به یک نخبه غیریهودی به نام تئوفیلوس می‌نویسد.

او او را آقا خطاب می‌کند، همانطور که در نامه‌ها و انجیل خواهیم دید. اما در مورد این فکر کنید همانطور که انجیل را می‌خوانید و این سخنرانی‌ها را دنبال می‌کنید، به آنچه لوقا در مورد مطرود می‌گوید فکر کنید.

یک نخبه برای یک نخبه دیگر نامه می‌نویسد. ببینید او درباره فقر و حاشیه‌نشینان چه می‌گوید. به تصاویری که او از مواجهه مسیح با گرسنگان، بینوایان و درمانده‌ها ارائه می‌دهد توجه کنید.

زیرا برای لوقا، پادشاهی خدا و آنچه باید به این گیرنده منتقل شود، چیزی فراتر از جایگاه نخبه، قدرتمند و شگفت‌انگیز بودن فرد در جامعه است. بنابراین، از تئوفیلوس به عنوان آقا یاد می‌شود و ما را با حدس و گمان‌های زیادی در مورد نحوه تفکر ما در مورد این تئوفیلوس تنها می‌گذارد. اما به نامه‌ای فکر کنید که به یک شخصیت بسیار مهم نوشته شده و نکات کلیدی در مورد انجیل را شرح می‌دهد، اگر من جرأت کنم به طور جدی در مورد انجیل لوقا در برخی از جوامع نخبه جهان خود موعظه کنم، ممکن است مردم از من ناراحت شوند و فکر کنند که من اعصابشان را خرد می‌کنم.

اما می‌بینید، لوک چیزی را می‌فهمد. انجیل خداوند عیسی مسیح برای نجات جهان است. و دوستان، جهان شامل مردم روستای من نیز می‌شود.

دنیا شامل دوستان من هم می‌شود که در فقر و شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنند. دنیا شامل کودکانی است که از سوء تغذیه در حال مرگ هستند، چه شما به اندازه تئوفیلوس نخبه باشید و چه به اندازه لوک. لوک دوست دارد ما بدانیم که پیام پادشاهی خدا، آمدن مسیح به دنیای ما، ایجاد یک تغییر واقعی و تأثیرگذاری بر زندگی همه است.

اما این تئوفیلوس کیست؟ ما در مورد هویت او در مرحله حدس و گمان هستیم. بنابراین، شش گمانه‌زنی در مورد چگونگی نگاه ما به او وجود دارد. برخی پیشنهاد کرده‌اند که ما به او به عنوان حامی بالقوه لوقا نگاه کنیم، کسی که دو مقاله طولانی نوشت و به کسی نیاز داشت تا از نوشته‌های او حمایت مالی کند.

دیگران پیشنهاد کرده‌اند که ما به او نگاه کنیم یا او را شاید به عنوان افسر رومی ناظر بر زندانی شدن پولس در روم تصور کنیم. حال، کسانی که در این راستا گمانه‌زنی می‌کنند، می‌گویند که مثلاً در کتاب اعمال رسولان، اعمال رسولان با زندانی شدن پولس به پایان می‌رسد. این احتمال وجود دارد که لوقا در آن زمان به این مرد که ناظر بر آن زندانی شدن بود، نامه می‌نوشت، تلاش می‌کرد از ایمان مسیحی دفاع کند و مطمئن شود که خود او به ابزاری تبدیل می‌شود که از طریق آن این انجیل قدرتمند که پولس به خاطر آن دستگیر شده بود، اجرا خواهد شد.

باز هم، این فقط یک فکر است. دیدگاه سوم می‌گوید که تئوفیلوس یک کافر بود، یک غیریهودی که به مسیحیت علاقه‌مند بود، و لوقا برای توضیح اصول مسیحیت این نامه را می‌نوشت. برخی دیگر پیشنهاد کرده‌اند که ما او را به عنوان یک ایماندار جدید در نظر بگیریم که لوقا او را می‌شناسد و پس از تماس اولیه

در مورد پیام انجیل، برای آموزش بیشتر به او می‌نویسد و به او در مورد ایمان و آنچه مسیحیان به آن اعتقاد دارند، دستورالعمل‌های بیشتری می‌دهد.

دیدگاهی که من در دوران کودکی‌ام زیاد می‌شنیدم، دیدگاهی است که با نام تئوفیلوس بازی می‌کند و می‌گوید، اوه، این نام در واقع به معنای دوست خدا، عاشق خداست، و آنها سعی می‌کنند روی این ترجمه کار کنند و بگویند، اوه. در واقع، این به معنای آن است که این شخص به خودی خود شخص خاصی نیست، بلکه کسی است که خداوند را دوست دارد، کسی که لوقا برای او می‌نویسد تا پیام انجیل به انجام برسد. دیدگاه ششم می‌گوید که این نام مترادف است و در واقع برای این است که بگوییم این انجیلی است که برای همه غیریهودیان نوشته شده است. کدام یک از این شش مورد صحیح است؟ من یک پاسخ بسیار عمیق برای شما دارم.

نمی‌دانم. ما حدس می‌زنیم. سعی می‌کنیم منطقی باشیم.

اما می‌بینید، فرقی نمی‌کند که شما هویت کامل تئوفیلوس را بدانید یا نه. آنچه مهم است بدانید این است که لوقا انجیل، انجیل سوم، را برای شخص دیگری نوشت و در آن انجیل، جوانه‌ها، ارزش‌ها و پیام قدرتمندی از شخصیت و خدمت خداوند عیسی مسیح وجود دارد که اگر من و شما آن را بپذیریم، قدرت خدا را در سطح شخصی و دگرگون‌کننده، حتی در خانه‌هایمان و فراتر از آن، تجربه خواهیم کرد. اگر به درک کلی از اینکه لوقا کیست و تئوفیلوس کیست، برسیم، مهم است که سعی کنیم بفهمیم انجیل چه زمانی نوشته شده است.

خب، تا جایی که به قرار ملاقات مربوط می‌شود، دو نظریه اصلی در مورد قرار ملاقات وجود دارد. یک دیدگاه در مورد قرار ملاقات این است که باید به انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان فکر کنید که درست قبل از پایان کتاب اعمال رسولان نوشته شده‌اند. بنابراین، اگر به این نظریه پایبند باشید، در واقع اعمال رسولان در اواخر کتاب، زمانی که پولس در زندان بود، نوشته شده است.

اگر به این نظریه پایبند باشید، پس باید آن را قدیمی‌تر از این تاریخ بدانید تا بگویید انجیل لوقا و اعمال رسولان عمدتاً در طول زندگی پولس یا حداکثر یک ماه پس از مرگ پولس نوشته شده‌اند. نظریه دیگر، می‌گوید نه، این اتفاق بعداً رخ می‌دهد. نظریه‌ای که می‌گوید بعداً رخ داده، همانطور که توضیح خواهیم داد قابل قبول‌ترین نظریه است.

کسانی که مانند من معتقدند انجیل لوقا بین سال‌های ۷۰ تا ۹۰ میلادی و به طور دقیق، برای من، حدود دهه ۸۰ میلادی نوشته شده است، استدلال می‌کنند که اگر لوقا مانند متی به انجیل مرقس تکیه می‌کرد نمی‌توانست انجیل خود را بنویسد. در این صورت، مرقس باید قبل از لوقا نوشته شده باشد. و اگر ما تاریخ نگارش مرقس را دهه ۷۰ میلادی بدانیم، قطعاً نمی‌توانیم لوقا را زودتر از آن تاریخ گذاری کنیم.

نکته‌ی دیگری که با این نوع استدلال همراه است این است. اگر به لوقا و نحوه‌ی نگارش انجیلش فکر کنید هیچ چیز قرار نیست به ما بگوید که او در حال نوشتن دفتر خاطرات بوده، که وقایع را همانطور که اتفاق «می‌افتاده می‌نوشته، به طوری که وقتی آخرین اتفاق می‌افتد، بگوید، «ای بابا، حالا بذار برات پستش کنم نه، نویسندگان اینطور نمی‌نویسند».

تو حتی برای دفتر خاطرات خودت هم این را می‌دانی. این روشی نیست که دفتر خاطرات را بنویسی. آدم دفتر خاطراتش را همزمان با انجام کارهای روزانه‌اش نمی‌نویسد.

شما در پایان روز، وقایع روزانه‌تان را می‌نویسید. کسی تاریخ را پس از وقوع وقایع می‌نویسد و این زمان برای انتقال وقایع لازم است. بنابراین، من تمایل دارم به دیدگاه اکثریت متمایل شوم که انجیل لوقا در دهه ۸۰ میلادی نوشته شده است.

اگر دیدگاه دهه ۸۰ را قبول ندارید، پس در محدوده دهه ۷۰ و ۹۰ کار کنید. این محدوده کلی مورد قبول است، اما من می‌خواهم قطعی‌تر از این باشم زیرا برخی از چیزهایی که در انجیل بررسی خواهیم کرد، به روشن شدن برخی از این موارد کمک خواهد کرد. هدف لوقا چیست؟ شما می‌گویید، اوه، چیزهای زیادی وجود دارد که باید بدانم تا این انجیل را بخوانم.

بله. متوجه شدید که اکثر مردم انجیل لوقا را نمی‌خوانند؟ چون خیلی طولانی است. منظورم این است که شما از فصل اول شروع می‌کنید.

قبل از اینکه کارت تمام شود، یکی دو چرت می‌زنی. تنها چیزی که در مورد انجیل لوقا دوست داریم تمثیل‌های آن است. پس بگذارید سعی کنم پایه و اساس را برای شما بگذارم تا بتوانید با من خوش بگذرانید.

بنابراین، هدف لوقا. چرا لوقا انجیل خود را می‌نویسد؟ لوقا تاریخ وقایع زندگی و خدمت عیسی مسیح را به عنوان وسیله‌ای برای ارائه تفسیری الهیاتی از نقشه آشکار خدا برای نجات و تحقق پیشگویی ارائه می‌دهد. از نظر لوقا، تاریخ مناسبتی را که او برای انتقال آغاز، ظهور، توسعه و گسترش مسیحیت در سراسر جهان نیاز دارد، در اختیار او قرار می‌دهد.

به گفته مارک اشتراوس، لوقا ادعاهای کلیسا را به عنوان قوم اصیل خدا در عصر حاضر به چالش می‌کشد و مشروعیت می‌بخشد. برای لوقا، همه چیز در مورد چگونگی درک شما از رسالت عیسی و چگونگی ادامه آن رسالت حتی امروز تا اقصی نقاط زمین است. لوک تیموتی جانسون، در تلاش برای بیان مختصرترین شکل هدف لوقا، می‌نویسد: هدف لوقا این است که به خوانندگان غیر یونانی نشان دهد که جنبش مسیحی به عنوان یک انجمن فلسفی روشنفکر، از نظر سیاسی بی‌ضرر، از نظر اجتماعی خیرخواه و بشردوستانه ارائه می‌شود.

اما هدف فوری‌تر آن تفسیر انجیل برای افراد درون جامعه در چارچوب یک محیط کثرت‌گرا متشکل از یهودیان و غیریهودیان است. من از نحوه تلاش کرادوک برای بیان هدف لوقا خوشم می‌آید. او سه داستان می‌نویسد؛ یهودیت، عیسی و کلیسا باید به نحوی که هم تاریخی و هم الهیاتی باشد، به هم مرتبط شوند.

هیچ نویسنده‌ای در عهد جدید به جز لوقا این کار را نمی‌کند. و شاید لوقا این کار را صرفاً به این دلیل انجام نمی‌دهد که شخص یا اشخاصی که از آنها به عنوان تئوفیلوس یاد می‌شود، باید از آن مطلع باشند. به احتمال زیاد، این به دلیل دو واقعیتی است که بر لوقا تأثیر می‌گذارند.

اولاً، واقعه عیسی در گذشته‌های دورتر و دورتر ثبت شده است. زندگی و کار او از موضوعات تاریخی است. ثانیاً، کلیسا اکنون یک جنبش، یک نهاد در جهان است.

و لوقا فرض می‌کند که زمان بسیار بیشتری تا بازگشت مسیح سپری خواهد شد. گذشته از همه اینها، اگر کسی متقاعد شده باشد که روز خداوند نزدیک است، تحقیق نمی‌کند و روایت منظمی از آن نمی‌نویسد. لوقا معتقد است که با گفتن درباره کار خداوند عیسی مسیح و کلیسا و گسترش مداوم آن، مردم بیشتر درباره کار مسیح خواهند دانست.

نولند، که تفسیرش در مطالعات لوقا بسیار محبوب شده است، می‌نویسد: «در مورد لوقا، فرض معمول و در واقع سنتی دیرینه این است که لوقا یک مسیحی غیریهودی بود که انجیل خود را برای کلیسای غیریهودی اواخر قرن اول نوشت، که این یک سند کشیشی مربوط به مسائل درون کلیسا بود، و زمان تبلیغ مسیحیت به یهودیان مدت‌ها گذشته بود، حتی اگر برخی از مسیحیان یهودی همچنان نقش مهمی در حیات جاری کلیسا ایفا می‌کردند.» چگونه این را خلاصه کنم؟ من این را با عبارات بسیار بسیار ساده به شرح زیر خلاصه می‌کنم. لوقا انجیل خود را می‌نویسد تا به تئوفیلوس درباره عیسی مسیح بگوید

اگر به دیدگاه دفاعی پایبند باشید، آنگاه می‌گویید که بخشی از این دست‌والعمل، کمک به دفاع از ایمان خداوند عیسی مسیح است. اما فراتر از آن، او این را می‌گوید تا این خدمت و مأموریت مسیحایی ادامه داشته باشد، در دام تاریخ نیفتد، بلکه یک موجود زنده باشد که به جلو می‌رود، جنبشی که به جلو حرکت می‌کند و به بقیه جهان گسترش می‌یابد. اجازه دهید چند نکته را برای بخش اول این مقدمه خلاصه کنم.

آنچه تاکنون در این مطالعه سعی کرده‌ام انجام دهم، ارائه یک نمای کلی از انجیل سوم، که ما آن را لوقا می‌نامیم، است. این انجیل سوم توسط کسی نوشته شده است که خود را در نوشته معرفی نمی‌کند. سنت به ما یادآوری می‌کند، یا به ما می‌گوید که نام او لوقا است.

ما پنج شاهد داریم که از این ایده حمایت می‌کنند که لوقا، پزشک، همراه محبوب، کسی است که انجیل لوقا را نوشته و آن را به تئوفیلوس نوشته است. من همچنین توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که دو نفری که در این مکاتبات دخیل بوده‌اند، همگی از طبقه نخبگان هستند. اما این انجیل، انجیلی است که شاید از بین تمام انجیل‌های عهد جدید، ساده‌ترین و بی‌تکلف‌ترین باشد.

من در مورد فقرا، مطرودین، به حاشیه رانده شدگان و اینکه چگونه عیسی به آنها نزدیک می‌شود صحبت می‌کنم. و همچنین سعی کرده‌ام هدف این انجیل را شرح دهم. در سخنرانی بعدی، شما را به ادامه بحث خواهم برد تا به نکات کلیدی در مورد ترکیب نامه نگاهی بیندازید.

اینکه چگونه نوشته شده است، چه چیزهایی در آن دخیل هستند، لوقا سعی در بسط چه موضوعاتی دارد، چگونه به جلد دوم لوقا، یعنی کتاب اعمال رسولان، مربوط می‌شود و این موارد چگونه به ما کمک می‌کنند، چارچوب خوبی را در هنگام بررسی خود متن، یعنی انجیل لوقا، به ما ارائه می‌دهد. امیدوارم که ابتدای متن بینش کلی در مورد موضوع این انجیل به شما بدهد. امیدوارم که با ادامه این تجربه یادگیری، شما نه تنها به آنچه در این سخنرانی مورد بحث قرار می‌گیرد توجه کنید، بلکه آن را با برخی از مطالبی که در آموزش الکترونیکی کتاب مقدس پیدا می‌کنید، تکمیل یا تکمیل کنید، برخی از اطلاعات پیش‌زمینه‌ای که به آنها اشاره شده است را بررسی کنید، سعی کنید در مورد برخی از مواردی که در این مکالمه خاص چندان پیشرفته نیستند، عمیق‌تر شوید و سعی کنید با من همراه شوید.

من حتی شما را تشویق می‌کنم که قبل از شروع گوش دادن به سخنرانی بعدی، وقتی را برای خواندن بقیه‌ی سخنرانی اختصاص دهید تا انجیل را بخوانید، و یک یا دو فصل را بخوانید. به این ترتیب، می‌توانید از نزدیک مطالب این مطالعه‌ی خاص را دنبال کنید و از آن بیشتر بهره‌مند شوید. از شما بابت همراهی با ما در آموزش الکترونیکی کتاب مقدس بسیار سپاسگزاریم.

امید و دعای من این است که به خدا اجازه دهید نه تنها به شما حکمت عطا کند، بلکه شما را به فضای خود دعوت کند، جایی که در مسیح عیسی رستگاری خواهید یافت، جایی که به عنوان یک مسیحی رشد خواهید کرد، و جایی که خواهید دید عیسی برای همه ما، نخبگان، ثروتمندان، فقرا، قذبلندان، کوتاه‌قدان، کسانی که موهای باشکوهی دارند و کسانی که از داشتن مدل موی طبیعی از جانب خدا بسیار

خوش‌شانس هستند، آمده است. آنها به آنها افراد طاس مانند من می‌گویند. همه ما بخشی از لطف نجات‌بخش خدا هستیم.

و امیدوارم که با هم یاد بگیریم و بیشتر همدیگر را دوست داشته باشیم. متشکرم. آمین